

Identifying and Prioritizing the Components of Social Capital in the Iranian National Handball Team

Salim Abbasi¹, Ali Saberi^{2*}, Atefeh Asadzadeh³

1. PhD Student of Sport Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
2. Assistant Professor of Sport Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran
3. PhD Student of Sport Management, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

(Received: October 21, 2019; Accepted: April 19, 2020)

Abstract

The purpose of this study was to identify and prioritize the components of social capital in the Iranian national handball team. This study was applied in terms of purpose, and it used mixed-method research to collect data. The statistical population of the qualitative phase of the study consisted of sport management professors (who were familiar with the concepts of social capital) and some players, coaches, and managers of Iranian Handball Premier League clubs. The snowball sampling was adopted and continued until theoretical saturation (12 interviews with 11 people) was achieved. The statistical population of the quantitative part of the present study consisted of adult Iranian handball national team players (men), technical staff, and managers of the Iranian Handball Premier League clubs, out of which a sample was selected through purposive sampling method (n = 21). The data collection tool was a questionnaire extracted from the qualitative phase that was designed according to the TOPSIS method. The questionnaire generally identified five components of social capital, including social norms, social cohesion, social support, social trust, and social relations. The results showed that the components of social relations, social support, social cohesion, social trust and social norms are the most important components of social capital in the Iranian national handball team, respectively. Therefore, the consideration of these components in the order of their importance can improve the quality of the Iranian national handball team, resulting in better performance outcomes and improved and satisfactory interactions with capitals such as fans and other groups related to the Iranian national handball team.

Keyword

Social relationships, Social support, Social cohesion, Social capital, Iranian national handball team.

* Corresponding Author, Email: ali_saberi1364@ut.ac.ir

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال ایران

سلیم عباسی^۱، علی صابری^{۲*}، عاطفه اسدزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال بود. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها آمیخته به صورت کیفی و کمی است. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل استادان مدیریت ورزشی (آشنا با مفاهیم سرمایه اجتماعی)، بازیکنان، مربیان، و مدیران صاحب‌نظر در باشگاه‌های لیگ برتر هندبال بودند که به صورت گلوله‌برفی انتخاب شدند و حجم نمونه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت (۱۲ مصاحبه با ۱۱ نفر). جامعه آماری بخش کمی پژوهش شامل بازیکنان تیم ملی هندبال بزرگسالان (آقایان)، کادر فنی، و مدیران باشگاه‌های لیگ برتر هندبال بودند و بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه تحقیق مشخص شدند (۲۱ نفر). ابزار گردآوری تحقیق پرسشنامه مستخرج از بخش کیفی بود که با توجه به روش تاپسیس طراحی شده بود. این پرسشنامه به صورت کلی نشان‌دهنده پنج مؤلفه سرمایه اجتماعی بود؛ شامل هنجارهای اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی. نتایج نشان داد مؤلفه‌های روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، و هنجارهای اجتماعی به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال‌اند. بنابراین، توجه به هر یک از این مؤلفه‌ها با توجه به ترتیب اهمیت آن‌ها می‌تواند کیفیت تیم ملی هندبال را بهبود بخشد و به کسب نتایج بهتر در بعد عملکرد و بهبود روابط متقابل و راضی‌کننده با سرمایه‌هایی مثل هوادارها و دیگر گروه‌های مرتبط با تیم ملی منجر شود.

کلیدواژگان

انسجام اجتماعی، تیم ملی هندبال، حمایت اجتماعی، روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی.

مقدمه

نهاد ورزش، به منزله پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی، این قابلیت را دارد که افراد را در شبکه‌ای با روابط اجتماعی پیچیده به تعامل و کنش متقابل وادارد و عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، و بازنمایی‌های خاص و مهم شود (فتحی ۱۳۸۸: ۲۸) که موجب ایجاد انگیزه، الهام‌بخشی، و روحیه اجتماعی در جامعه می‌شود. صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم ورزشی، مدیریت، و ... برای ورزش و مسابقات و جشنواره‌های ورزشی کارکرد و اهداف و نقش‌های مختلف تبیین کرده‌اند که از آن‌ها می‌توان به بسیج منابع انسانی و مالی، تشکیلات سازمان‌یافته، گسترش روابط بین‌الملل و ارتباطات میان‌فرهنگی، تقویت تفاهم و توسعه صلح، تقویت همبستگی و مشارکت اجتماعی و تحکیم روابط و پیوندهای اجتماعی، نوعی سرگرمی و تفریح عمومی و رسانه‌ای، ارتقای سلامت روانی و جسمی، افزایش اعتماد، رشد توریسم، تخلیه هیجانات و انفعالات روحی، پرورش اخلاق انسانی و اجتماعی، تقویت و ارتقای سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و انسانی، ترویج مکانیسم یادگیری، ایجاد بستر برای شکل‌گیری باورها و مهارت‌ها و رفتارها و عادات و نقش‌ها و هویت، و غیره اشاره کرد (مرادی و مصطفایی ۱۳۹۳: ۵۶). یکی از مواردی که مطرح شد سرمایه اجتماعی است.

کاربرد سرمایه اجتماعی در حوزه‌های مختلف باعث شده این مفهوم معانی بسیار متفاوتی به خود بگیرد و به همین دلیل در تعریف آن اختلاف‌نظرهایی نیز بروز کرده است (Stevenson 2016: 995). این مفهوم، به شبکه‌ها و هنجارها و ادراکاتی اشاره می‌کند که فعالیت‌های همکارانه در درون و بین گروه‌های افراد را تسهیل می‌کند (Forsdike et al 2019: 483). از نظر کلمن^۱ (۱۹۸۸) نیز ایده بنیادی نهفته در پشت سرمایه اجتماعی این است که یک فرد می‌تواند از طریق انباشتن روابط با دیگر افراد ارزش‌هایی را به دست آورد. به عبارتی، وقتی افراد هنگام نیاز به منابع حمایتی بیشتری دسترسی داشته باشند گفته می‌شود این افراد سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. در نتیجه، شانس بیشتری برای دستیابی به اهداف خود دارند (Yang & Farn 2009: 212). با توجه به این تعاریف پراکنده، بهتر است سرمایه اجتماعی را مفهومی در نظر بگیریم که متشکل از مؤلفه‌هایی نظیر حمایت

1. kolman

از یک‌دیگر، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی، اعتماد به دیگران، انسجام بین آحاد اجتماعی، و ... است (Gupta et al 2018: 106). در حوزه‌های خاص، نظیر ورزش، شاید مهم‌تر از مفهوم سرمایه اجتماعی دستیابی به نحوه شکل‌گیری آن در بافت ورزش و کارکردهای عملی آن باشد. ورزش قهرمانی یکی از وجوه نهاد ورزش است که می‌تواند بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی مؤثر باشد. در واقع، قهرمانان ورزشی به دلیل موقعیت اجتماعی خود و موفقیت‌های ورزشی که کسب کرده‌اند احتمالاً از سرمایه اجتماعی قابل توجهی برخوردارند.

بیان مسئله

باشگاه‌های ورزشی مستقر در جامعه مدت‌هاست مراکز اصلی توسعه سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند (Adams 2014: 556). ارتباط بین ورزش و سرمایه اجتماعی و سلامت جامعه به افزایش برنامه‌های ورزش برای توسعه منجر شده است (Spaij 2011: 27). اسپایج (۲۰۱۱) استدلال می‌کند که بیشتر افراد برای لذت بردن و سلامتی و در کنار دوستان و خانواده درگیر ورزش هستند. او در مطالعه خود درباره ورزش روستایی استرالیا دریافت که کلوپ‌های ورزشی، هم به عنوان مراکز اجتماعی، تقویت‌کننده تعامل اجتماعی هستند که از سلامت جسمی و روانی بهره‌مند می‌شوند، و هم سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی را منعکس می‌کنند و هم باعث ایجاد پیوند و ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شوند.

با نگاهی به پیشینه مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی معلوم می‌شود مدل‌هایی برای سرمایه اجتماعی، هم در داخل هم در خارج از ایران، برای انواع سازمان‌ها ارائه شده است. اما در زمینه ورزش به‌خصوص داخل ایران این بخش مغفول مانده است. پس، به نظر می‌رسد با توجه به تنوع مدل‌های موجود و همچنین تنوع ساختار زمینه‌ای سرمایه اجتماعی بررسی آن در حیطه سازمان‌های ورزشی ضروری است. زیرا از نظر اهداف و شرایط زمینه‌ای با سازمان‌های دیگر متفاوت‌اند. آنچه موجب توجه محققان ورزشی به سرمایه اجتماعی شده این است که نوع و میزان تعامل اجتماعی انسان‌ها در حوزه ورزش چه پیامدهایی می‌تواند برای کل جامعه داشته باشد. مثلاً، در بسیاری از این تحقیقات مشخص شده افراد فعال در حوزه ورزش سرمایه اجتماعی بیشتری دارند و در نتیجه از اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردارند.

تا کنون پژوهش‌های زیادی در ارتباط با تأثیر ورزش بر بهبود سرمایه اجتماعی افراد انجام شده است. اما، پژوهشی که به بررسی سرمایه اجتماعی در رده ورزش قهرمانی و حرفه‌ای پرداخته باشد مشاهده نشد. در واقع، تأکید پژوهش‌های قبلی بر ورزش تفریحی و تربیتی بوده و به تأثیر مشارکت در این نوع ورزش‌ها بر بهبود سرمایه اجتماعی توجه نشده است. بنابراین شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ورزشکاران تیم‌های ورزشی (در سطح قهرمانی و حرفه‌ای) از نوآوری‌های این پژوهش است.

بررسی و مطالعه عواملی همچون مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی تیم‌های ورزشی از آن جهت حائز اهمیت است که سازوکارهای زیربنایی که ورزشکاران تیم‌های مختلف ورزشی، از جمله هندبال، را برای حضور در تیم‌های ورزشی شدت می‌بخشند مشخص می‌کند و به عوامل مهم اجتماعی اجازه می‌دهد به طور مؤثر این عوامل تشدیدکننده حضور بازیکنان در تیم‌های ملی ورزشی را هدف قرار دهند. به این موضوع نیز باید توجه داشت که مفهوم سرمایه اجتماعی مسئله‌ای است که به واسطه آن فرد شرایط لازم را به منظور مصرف ورزشی و مشارکت مؤثر و فعال در عرصه‌های ورزشی (حضور در تیم‌های ورزشی ملی) کسب می‌کند. بنابراین، ایجاد هر گونه اختلال در این فرایند موجب بی‌اعتنایی به ورزش و عدم مشارکت آگاهانه افراد در تیم‌های ورزشی به‌ویژه بین ورزشکاران تیم‌های ملی خواهد شد. بدیهی است با انجام دادن این‌گونه پژوهش‌ها و بر اساس یافته‌های چنین مطالعاتی می‌توان با شناخت کافی نسبت به عوامل و مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش بازیکنان، برای حضور در تیم‌های ورزشی در سطح ملی و برنامه‌ریزی‌های لازم در زمینه ایجاد شرایط مورد نیاز برای ترغیب هر چه بیشتر برای حضور پررنگ این بازیکنان در تیم‌های ورزشی، که نهایتاً منجر به بهبود عملکرد آن‌ها گردد.

سرمایه اجتماعی اصلی محوری برای دستیابی به توسعه به شمار می‌آید و مدیرانی موفق قلمداد می‌شوند که بتوانند در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نایل شوند. سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌ای از روابط میان انسان‌ها و سازمان‌ها را دربرمی‌گیرد. همچنین روشن است که سرمایه اجتماعی پدیده‌ای اجتماعی است و بی‌توجهی به آن می‌تواند عواقب ناگواری در پی داشته باشد؛ از جمله ناپایدار شدن روابط اجتماعی، کاهش میزان همبستگی اجتماعی، از رونق افتادن فعالیت‌ها، از میان

رفتن اعتماد اجتماعی. با توجه به اینکه ورزشکاران از سرمایه‌های انسانی مهم کشورند، هنگامی که سرمایه اجتماعی و ابعاد آن بین ورزشکاران به وجود می‌آید و گسترش می‌یابد، سبب می‌شود ورزشکاران برای کسب نتایج بهتر بیشتر تلاش کنند. آگاهی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی ورزشکاران و دانستن نوع ارتباط آنان با یکدیگر برای هر نوع برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی از طرف مدیران ورزشی الزامی و ضروری است (Zhou & Kaplanidou 2018: 494).

امروزه، اکثر سازمان‌ها از بی‌اعتمادی و ارتباطات بسته و رسمیت بیش از حد رنج می‌برند. باید تغییراتی در زمینه اعتماد متقابل شخصی بیشتر، ارتباطات بازتر، و انعطاف‌پذیری شخصی و سازمانی بیشتر ایجاد کرد و در این میان محیط‌های ورزشی از این قاعده مستثنا نیستند. زیرا با کمبود تعاملات، ارتباطات میان فردی و گروهی، احساس هویت، اعتماد پایین، کار تیمی و مشارکت ضعیف میان عوامل فنی (بازیکن، مربی، و غیره) و اداری (کارکنان اداری مرتبط) روبه‌رو هستند (Kumar et al 2018: 553). سازمان‌های ورزشی می‌توانند با سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه اجتماعی بر دانش، مهارت، و شایستگی‌های عوامل فنی و اداری و همچنین در سرمایه ساختاری خود- از قبیل دارایی فکری، نوآوری، فرایندها و روش‌های کاری، یادگیری، و غیره- به حدی مناسب دست یابند. وجود میزان قابل قبولی از سرمایه اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود؛ طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه اجتماعی، به منزله اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرایندهای موجود، سود برد. از این‌رو شناسایی عوامل مؤثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد (Grodecki 2017: 463). گفتنی است دلیل انتخاب تیم ملی هندبال عملکرد چند سال گذشته این تیم (تیم‌های بزرگسالان، نوجوانان، جوانان، بانوان) نسبت به چند سال قبل از آن است. تیم ملی بزرگسال هندبال ایران نسبت به چند دوره گذشته عملکرد چندان مناسبی در رقابت‌های بین‌المللی نداشته است (عدم کسب سهمیه المپیک و عدم موفقیت در رقابت‌های آسیایی از جمله آن‌ها است). البته دلایل بسیاری برای این ناکامی‌ها وجود دارد (تغییر ۶ رئیس فدراسیون طی ۶ سال، ضعف کادر فنی، عدم آمادگی بازیکنان، و غیره). اما، به نظر می‌رسد افزایش سرمایه اجتماعی همانند سایر سرمایه‌های مالی، فکری، و انسانی به بهبود عملکرد منجر می‌شود (Clopton 2011: 372). زیرا بررسی سطحی مشکلاتی که تیم ملی

هندبال با آن‌ها روبه‌روست نشان می‌دهد اکثر این مشکلات یا نتیجه مستقیم ضعف در سرمایه اجتماعی است یا سرمایه اجتماعی قوی به منزله یک زمینه لازم و مؤثر می‌تواند تأثیری بسزا در رفع مشکلات و ضعف‌ها داشته باشد. بنابراین، پژوهش حاضر درصدد بررسی این موضوع است که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال کدام‌اند و چگونه رتبه‌بندی می‌شوند.

مبانی نظری

اصطلاح سرمایه اجتماعی قبل از سال ۱۹۱۶ در مقاله هانی فان^۱ از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد. اما نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوبز^۲ (۱۹۶۱)، با نام مرگ و زندگی شهرهای بزرگ / امریکایی، به کار رفته است. جاکوبز در این اثر توضیح داده شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند. گلن لوری اقتصاددان نیز، مانند ایوان لایت^۳ جامعه‌شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل توسعه اقتصادی درون‌شهری به کار برد و در دهه ۱۹۸۰ جیمز کلن در معنای وسیع‌تر از این اصطلاح استقبال کرد (گنجی و زارع غیاث‌آبادی ۱۳۹۴: ۱۱۱). در واقع سرمایه اجتماعی با اینکه پیچیدگی‌های مفهومی و موضوعی دارد موضوعی پرکاربرد و جذاب برای پژوهشگران به شمار می‌رود (شفیعا و شفیعا ۱۳۹۱: ۱۴۲).

همانند سایر مفاهیم مربوط به سرمایه (فکری، انسانی، مالی، و ...)، سرمایه اجتماعی نیز در تعریف محدودیت‌های خاص خود را دارد (Posner & Boix 2016). از دیدگاه حسن^۴ و همکارانش (۲۰۱۷) و جه^۵ و چن (۲۰۱۵)، سرمایه اجتماعی میزان گرایش نوع‌دوستانه افراد و سطح اعتماد متقابل در اجتماع است. در واقع، سطح بالای سرمایه اجتماعی در افرادی دیده می‌شود که قابل اعتمادتر، روابط آنها بیشتر بر پایه تعاون و همکاری بوده و کمتر خودمحور باشند (Jha & Cox 2015). در واقع، سرمایه اجتماعی زمانی افزایش می‌یابد که میزان وابستگی متقابل بین افراد زیاد باشد (Sabatino 2019: 358).

-
1. Hanifan
 2. Jain Jakooob
 3. lite
 4. Hasan
 5. Jha

سرمایه اجتماعی برای افراد دارای اهمیت استراتژیک است و به نتایج مثبت برای افراد منجر می‌شود (Kwon & Adler 2014: 415). مثلاً در پژوهش‌های بوزیونلس^۱ (۲۰۱۵) و ریچاردسون^۲ و کلیهر (۲۰۱۵) سرمایه اجتماعی عاملی جهت موفقیت شغلی بیشتر معرفی می‌شود. سرمایه اجتماعی منبعی است که در اختیار افراد جامعه قرار می‌گیرد و در واقع متعلق به جامعه است (Sabatino 2019: 356). از سوی دیگر، سطوح سرمایه اجتماعی در جوامع گوناگون متفاوت است (Soulard et al 2018: 192). همچنین، سرمایه اجتماعی علاج همه مشکلات جامعه مدرن تلقی می‌شود و به پیوندها و ارتباطات میان اعضای شبکه به مثابه منبعی باارزش، که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل به تحقق اهداف اعضا می‌انجامد، اشاره می‌شود (دیپیم‌پور و میان‌داری ۱۳۹۶: ۲۸۸).

از دیدگاه سازمانی، برخی پژوهشگران سرمایه اجتماعی را جمع منابع بالفعل و بالقوه موجود در درون و ناشی شده از شبکه روابط یک فرد یا یک واحد اجتماعی تعریف می‌کنند. آن‌ها با رویکرد سازمانی جنبه‌های مختلف سرمایه اجتماعی را در سه طبقه جای می‌دهند: ساختاری، رابطه‌ای، شناختی (دیپانی و همکاران ۱۳۹۱: ۹۴).

۱. جنبه ساختاری: بعد ساختاری سرمایه اجتماعی شامل الگوهای پیوند میان شبکه و ترکیب سازماندهی شبکه و تناسب سازمانی می‌شود. بعد ساختاری از شکل ساختاری، تنوع، مرکزیت، و نقش مرزبانی مشارکت‌کنندگان در شبکه منتج می‌شود. جنبه ساختاری در جامعه روابط افقی و روابط عمودی به وجود می‌آورد و از این طریق سرمایه اجتماعی کل جامعه را تقویت می‌کند. در واقع، بعد ساختاری پیکربندی غیرشخصی روابط بین مردم یا واحدها شناخته می‌شود (Hennekam 2019: 315).

۲. جنبه شناختی: بعد شناختی دربرگیرنده میزان اشتراک کارکنان درون یک شبکه اجتماعی، در یک دیدگاه، یا درک مشترک میان آنان است و مانند بعد ارتباطی به ماهیت ارتباطات میان افراد در یک سازمان می‌پردازد؛ مانند زبان و کدهای مشترک و روایت‌های مشترک (Hennekam 2019: 315).

1. Bozionelos

2. Richardson

۳. جنبه رابطه‌ای: بعد رابطه‌ای توصیف‌کننده روابط شخصی است که افراد با یکدیگر به سبب سابقه تعاملاتشان برقرار می‌کنند. این مفهوم بر روابط خاصی که افراد دارند تمرکز می‌کند؛ مثل احترام و دوستی که بر رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. به واسطه این روابط شخصی مستمر است که انگیزه‌های اجتماعی، مثل خونگرمی و تأیید، تحقق می‌یابد. در واقع، بعد رابطه‌ای شامل اعتماد و اعتمادبه‌نفس بین‌فردی، احساس نزدیکی و همبستگی بین‌فردی است (Hennekam 2019). این بعد از اهمیت بسیار برخوردار است (Elfenbein & Zenger 2014: 226).

پیشینه

تحقیقات بسیاری در زمینه سرمایه اجتماعی و به‌خصوص سرمایه اجتماعی در ورزش صورت گرفته است. چون ورزش یکی از موضوعاتی است که به پرورش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه بسیار کمک می‌کند. گروذکی (۲۰۱۹) در تحقیق خود درباره سرمایه اجتماعی به این نتیجه رسید که توسعه سرمایه اجتماعی هواداران به صورت گام به گام رخ می‌دهد. مثلاً، سرمایه اجتماعی هواداران در سکوها شکل می‌گیرد و سپس به کل جامعه سرایت می‌کند. فورسدیک^۱ و همکارانش (۲۰۱۹) دریافتند که شرکت در باشگاه‌های ورزشی نقش مؤثری در بهبود سرمایه اجتماعی زنان دارد. در هند نیز کومار و همکارانش (۲۰۱۸) اعلام کردند مشارکت در فعالیتهای ورزشی و به‌خصوص رویدادهای ورزشی به افزایش و بهبود سرمایه اجتماعی افراد منجر می‌شود. ژو و کاپلانیدو (۲۰۱۸) به بیان این موضوع پرداختند که مشارکت در رویدادهای ورزشی - به هر شکل؛ داوطلب، هوادار، تماشاچی، بازیکن - به بهبود سرمایه اجتماعی افراد می‌انجامد. اوکایاسو^۲ و همکارانش (۲۰۱۵) نیز دریافتند که حضور افراد در باشگاه‌های ورزشی می‌تواند باعث بهبود مؤلفه‌های اجتماعی افراد و افزایش سرمایه اجتماعی آن‌ها شود.

در ایران، در حوزه سرمایه اجتماعی، تحقیقات بسیاری انجام شده است. اما در حیطه ورزش این نوع تحقیقات کم‌اند و جای کار بسیار دارند. سه نمونه از تحقیقات حوزه ورزش در ایران در ادامه معرفی می‌شود. پارسامهر و همکارانش (۱۳۹۶) در پژوهش خود دریافتند که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های عمده آن توانسته‌اند بیش از ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی مشارکت ورزشی، را

1. Forsdike

2. Okayasu

تبیین کنند. محمدی ترکمانی و همکارانش (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که ارتقای سرمایه اجتماعی هواداران فوتبال از طریق پنج بعد ادراک عدالت، ایجاد هویت هواداری، تقویت انسجام اجتماعی، سیاست‌های رسانه‌ای، آموزش‌های حرفه‌ای به بازیکن و هجده زیرمؤلفه قابل دستیابی است. صابری و همکارانش (۱۳۹۴) نیز اعلام کردند بین سرمایه اجتماعی و انسجام گروهی و ابعاد آن رابطه معناداری وجود دارد و انسجام گروهی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای سرمایه اجتماعی است.

پژوهش‌های گروذکی (۲۰۱۹)، فورس‌دیک و همکارانش (۲۰۱۹)، کومار و همکارانش (۲۰۱۸)، ژو و کاپلانیدو (۲۰۱۸)، اوکایاسو و همکارانش (۲۰۱۵)، داریسی^۱ و همکارانش (۲۰۱۴)، اسپایچ (۲۰۱۱)، و پارسامهر و همکارانش (۱۳۹۶) در ارتباط با تأثیر ورزش بر بهبود سرمایه اجتماعی افراد بود. اما پژوهشی که به بررسی سرمایه اجتماعی در رده ورزش قهرمانی و حرفه‌ای پرداخته باشد مشاهده نشد. در واقع تأکید این پژوهش‌ها بر ورزش حول محور تفریحی و تربیتی بوده و به میزان تأثیری که مشارکت در این نوع ورزش‌ها بر بهبود سرمایه اجتماعی می‌گذارد توجه شده است. بنابراین، شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ورزشکاران تیم‌های ورزشی (در سطح قهرمانی و حرفه‌ای) از نوآوری‌های این پژوهش است. همچنین، می‌توان با شناسایی این عوامل در سایر رشته‌های ورزشی به مدلی جامع و عمومی و بومی برای مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در ورزش حرفه‌ای و قهرمانی رسید.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که به صورت میدانی انجام شد. روش گردآوری داده‌ها آمیخته، به صورت کیفی و کمی، بود. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش استادان مدیریت ورزشی (آشنا با مفاهیم سرمایه اجتماعی) و بازیکنان و مربیان و مدیران صاحب‌نظر در باشگاه‌های لیگ برتر هندبال بودند که به صورت گلوله‌برفی انتخاب شدند و حجم نمونه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت (۱۲ مصاحبه با ۱۱ نفر). جامعه آماری بخش کمی بازیکنان تیم ملی هندبال بزرگسالان (آقایان)، کادر فنی، و مدیران باشگاه‌های لیگ برتر هندبال بودند و بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه تحقیق مشخص شدند. بدین صورت که پس از بررسی‌های انجام‌شده تعداد ۳۵ نفر به عنوان نمونه مشخص شدند (۱۸ بازیکن تیم ملی، ۵ نفر کادر فنی، ۱۲ مدیر باشگاه‌های لیگ برتر

هندبال). در نهایت، پس از پخش و جمع‌آوری پرسشنامه‌های تحقیق، تعداد ۲۱ پرسشنامه (۱۲ بازیکن، ۳ نفر کادر فنی، ۶ مدیر باشگاه لیگ برتر هندبال) تجزیه و تحلیل شد. ابزار گردآوری تحقیق پرسشنامه مستخرج از بخش کیفی بود که با توجه به روش تاپسیس طراحی شده بود. این پرسشنامه به صورت کلی نشان‌دهنده پنج مؤلفه سرمایه اجتماعی بود؛ شامل هنجارهای اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب) از یک دانشجوی مقطع دکتری مدیریت ورزشی درخواست شد به عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم جهت کدگذاری مصاحبه‌ها به ایشان انتقال داده شد. در هر یک از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر مشابه‌اند با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. سپس، محقق همراه این همکار پژوهش سه مصاحبه را کدگذاری کرد و درصد توافق درون‌موضوعی، که به منزله شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود، با استفاده از رابطه ۱ محاسبه شد:

$$\text{درصد توافق} = \frac{\text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100\% \quad (1)$$

تعداد کل کدهای ثبت‌شده توسط هر دو نفر (محقق و همکار) برابر ۱۸۵، تعداد کل توافقی‌ها بین این کدها ۶۷، و تعداد کل عدم‌توافقی‌ها بین این کدها ۲۵ بود. با استفاده از رابطه ۱ پایایی بین دو کدگذار ۷۲/۴ درصد به دست آمد که از ۶۰ درصد بالاتر است. بنابراین قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید شد.

پایایی این پرسشنامه با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ به تأیید رسید. میزان پایایی این پرسشنامه ۰/۸۱ بود. روایی تحقیق در بخش کیفی با استفاده از روش تثلیث (مثل‌سازی) انجام و تأیید شد. همچنین، روایی در بخش کمی، با استفاده از بررسی نظر خبرگان، مورد سنجش قرار گرفت و تأیید شد. همه تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده در بخش کیفی (کدگذاری باز و محوری) با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA انجام شد. همچنین به منظور رتبه‌بندی مؤلفه‌های شناسایی‌شده روش تاپسیس به کار رفت (با استفاده از نرم‌افزار BT TopSis SolVer).

نتایج

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری (بخش کمی) در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی تحقیق

درصد	فراوانی	گروه‌ها	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی
۹/۵	۲	کمتر از ۵ سال	سابقه فعالیت
۴۷/۶	۱۰	۵ تا ۱۰ سال	
۴۲/۹	۹	بیشتر از ۱۱ سال	
۱۴/۳	۳	کمتر از ۲۰ سال	سن
۴۷/۶	۱۰	۲۱ تا ۴۰ سال	
۳۸/۱	۸	بیشتر از ۴۱ سال	

نتایج توصیفی سابقه فعالیت نشان داد ۹/۵ درصد از افراد شرکت‌کننده در تحقیق کمتر از ۵ سال، ۴۷/۶ درصد ۵ تا ۱۰ سال، و ۴۲/۹ درصد بیشتر از ۱۱ سال سابقه فعالیت دارند. همچنین مشخص شد ۱۴/۳ درصد از نمونه‌های تحقیق کمتر از ۲۰ سال، ۴۷/۶ درصد ۲۱ تا ۴۰ سال، و ۳۸/۱ درصد بیشتر از ۴۱ سال سن دارند. همچنین صد درصد نمونه‌های پژوهش مرد بودند.

بخش کیفی (نتایج کدگذاری باز و محوری)

این مرحله از روش کیفی بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود. به عبارت دیگر، محقق پس از هر مصاحبه شروع به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب‌های مناسب برای آن‌ها و ترکیب مفاهیم مرتبط می‌کند. مراحل کدگذاری باز عبارت است از:

۱. **تحلیل و کدگذاری:** در این مرحله پژوهشگر باید به کدگذاری همه رویدادها توجه کند.

ممکن است از درون یک مصاحبه یا متن کدهای زیادی استخراج شود. اما، وقتی داده‌ها مرتب‌بازنگری شوند کدهای جدید احصا و کدهای نهایی مشخص می‌شوند.

۲. **جدول کدگذاری باز:** این مرحله شامل دو قسمت است؛ جدول کدهای اولیه استخراجی

از مصاحبه‌ها و جدول طبقه‌های استخراج شده از مفاهیم همراه کدهای مفهومی آن‌ها.

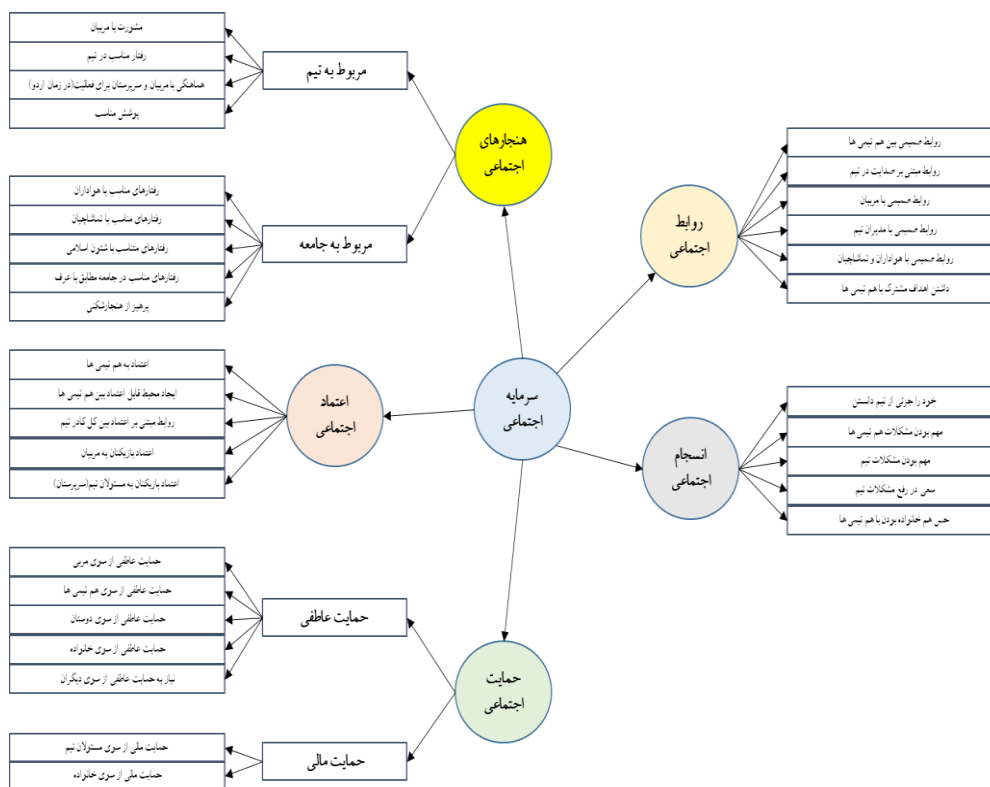
ابتدا، با استفاده از کدگذاری باز ۷۵ کد اولیه استخراج شد. در ادامه با نظر همکاران پژوهشی و چند نفر از استادان دانشگاهی تعداد ۲۹ کد اولیه نهایی جدید انتخاب شد و مورد کنکاش کیفی

قرار گرفت. سپس، چند کد مفهومی به یک مقوله تبدیل شد. در جدول ۱ قسمت کوچکی از نتایج کدگذاری باز بر اساس کدهای مفهومی و مقولات ارائه شده است.

جدول ۲. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقولات

مقوله‌ها (کدهای محوری)	کدهای ثانویه	کدهای اولیه
	مربوط به تیم	مشورت با مربیان رفتار مناسب در تیم هماهنگی با مربیان و سرپرستان برای فعالیت (در زمان اردو) پوشش مناسب
هنجارهای اجتماعی	مربوط به جامعه	رفتارهای مناسب با هواداران رفتارهای مناسب با تماشاچیان رفتارهای متناسب با شئون اسلامی رفتارهای مناسب در جامعه مطابق با عرف پرهیز از هنجارشکنی
اعتماد اجتماعی		اعتماد به هم‌تیمی‌ها ایجاد محیط قابل اعتماد بین هم‌تیمی‌ها روابط مبتنی بر اعتماد بین کل کادر تیم اعتماد بازیکنان به مربیان اعتماد بازیکنان به مسئولان تیم (سرپرست)
حمایت اجتماعی	حمایت عاطفی	حمایت عاطفی از سوی مربی حمایت عاطفی از سوی هم‌تیمی‌ها حمایت عاطفی از سوی دوستان حمایت عاطفی از سوی خانواده نیاز به حمایت عاطفی از سوی دیگران
	حمایت مالی	حمایت مالی از سوی مسئولان تیم حمایت مالی از سوی خانواده
روابط اجتماعی		روابط صمیمی بین هم‌تیمی‌ها روابط مبتنی بر صداقت در تیم روابط صمیمی با مربیان روابط صمیمی با مدیران تیم روابط صمیمی با هواداران و تماشاچیان
انسجام اجتماعی		داشتن اهداف مشترک با هم‌تیمی‌ها خود را جزئی از تیم دانستن مهم بودن مشکلات هم‌تیمی‌ها مهم بودن مشکلات تیم سعی در رفع مشکلات تیم حس هم‌خانواده بودن با هم‌تیمی‌ها

در آخر ۳۲ کد اولیه، ۴ کد ثانویه، و ۵ مقوله اصلی استخراج شد. مدل مفهومی پژوهش حاضر در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال

پس از بررسی‌های انجام‌شده پنج مؤلفه به منزله مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال شناسایی شد؛ شامل هنجارهای اجتماعی، انسجام اجتماعی، حمایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی. به منظور رتبه‌بندی این مؤلفه‌ها از روش تاپسیس استفاده شد. جدول ۳ نتایج ماتریس نرمالیزه‌شده مؤلفه سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال را نشان می‌دهد. جدول ۴ نتایج تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی را نشان می‌دهد. جدول ۵ نتایج محاسبه نزدیکی به راه‌حل ایده‌آل مثبت و منفی و رتبه‌بندی گزینه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ماتریس نرمالیزه شده

مؤلفه‌ها	انسجام اجتماعی	اعتماد	هنجارها	حمایت	روابط
۱ نمونه ۱	۰/۲۱۹۵	۰/۵۴۸۸	۰/۲۱۹۵	۰/۱۰۹۸	۰/۸۶۲۳
۲ نمونه ۲	۰/۱۱۵۷	۰/۵۳۱۲	۰/۲۱۵۷	۰/۳۱۵۷	۰/۸۵۶۸
۳ نمونه ۳	۰/۴۸۳۴	۰/۴۸۳۴	۰/۱۹۳۳	۰/۱۹۳۳	۰/۶۱۹۷
۴ نمونه ۴	۰/۲۹۷۰	۰/۳۹۶۱	۰/۱۹۸۰	۰/۲۹۷۰	۰/۸۹۱۱
۵ نمونه ۵	۰/۲۹۷۰	۰/۳۹۶۱	۰/۱۹۸۰	۰/۲۹۷۰	۰/۸۹۱۱
۶ نمونه ۶	۰/۴۲۲۱	۰/۳۳۹۳	۰/۲۵۴۵	۰/۴۲۲۱	۰/۶۷۱۶
۷ نمونه ۷	۰/۳۰۳۳	۰/۵۱۱۶	۰/۲۲۱۴	۰/۶۰۶۵	۰/۶۸۳۳
۸ نمونه ۸	۰/۳۶۹۶	۰/۴۷۸	۰/۲۳۱۸	۰/۵۹۱۴	۰/۶۶۵۳
۹ نمونه ۹	۰/۴۲۲۵	۰/۲۲۱۸	۰/۳۶۹۶	۰/۵۱۷۵	۰/۵۹۱۴
۱۰ نمونه ۱۰	۰/۴۱۱۰	۰/۲۴۶۶	۰/۳۳۷۸	۰/۵۷۵۴	۰/۵۷۵۴
۱۱ نمونه ۱۱	۰/۴۱۱۰	۰/۲۴۶۶	۰/۳۳۷۸	۰/۵۷۵۴	۰/۵۷۵۴
۱۲ نمونه ۱۲	۰/۵۵۵۰	۰/۲۱۹۴	۰/۲۹۲۵	۰/۵۱۱۹	۰/۵۱۱۹
۱۳ نمونه ۱۳	۰/۵۳۳۷	۰/۲۲۸۷	۰/۳۰۵۰	۰/۵۳۳۷	۰/۵۳۳۷
۱۴ نمونه ۱۴	۰/۵۰۷۸	۰/۳۳۵۳	۰/۲۹۱۲	۰/۳۶۱۷	۰/۵۸۰۴
۱۵ نمونه ۱۵	۰/۵۶۹۷	۰/۴۸۸۳	۰/۳۳۵۵	۰/۴۰۹۹	۰/۴۰۹۹
۱۶ نمونه ۱۶	۰/۶۴۱۷	۰/۱۸۳۳	۰/۳۶۶۷	۰/۴۵۸۳	۰/۴۵۸۳
۱۷ نمونه ۱۷	۰/۶۳۱۲	۰/۱۸۰۳	۰/۲۷۰۵	۰/۴۵۰۸	۰/۵۱۱۰
۱۸ نمونه ۱۸	۰/۶۳۱۲	۰/۱۸۰۳	۰/۲۷۰۵	۰/۵۴۱۰	۰/۴۵۰۸
۱۹ نمونه ۱۹	۰/۶۱۱۶	۰/۱۸۷۴	۰/۲۶۲۱	۰/۵۲۴۲	۰/۵۲۴۲
۲۰ نمونه ۲۰	۰/۴۱۹۶	۰/۸۱۹۶	۰/۳۳۵۷	۰/۶۷۱۳	۰/۵۲۲۵
۲۱ نمونه ۲۱	۰/۳۹۱۶	۰/۲۳۵۰	۰/۲۱۳۳	۰/۵۶۲۳	۰/۶۱۶۶

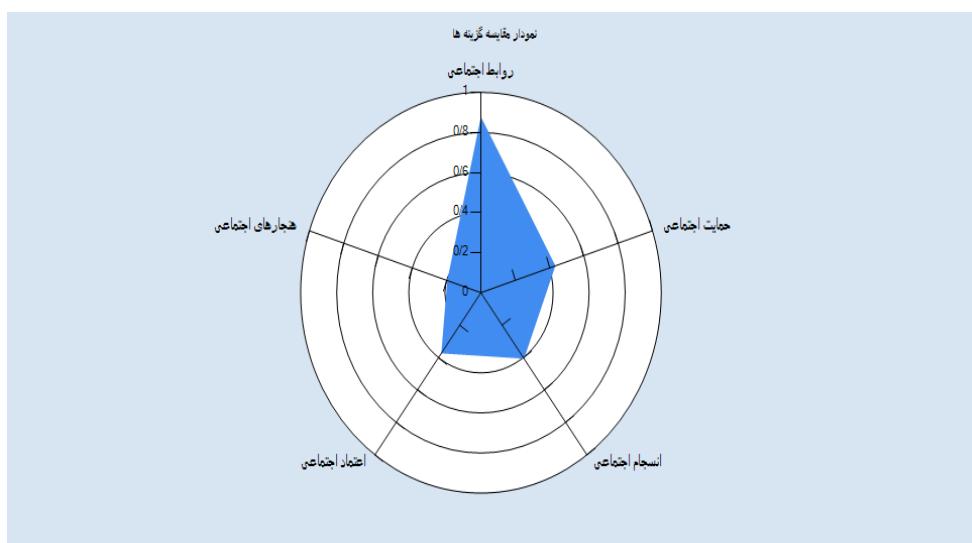
جدول ۴. تعیین راه حل ایده آل مثبت و ایده آل منفی

راه حل	+	-
۱ نمونه ۱	۰/۰/۸۴۶	۰/۰/۱۲۱
۲ نمونه ۲	۰/۰/۵۹۸	۰/۰/۱۷۱
۳ نمونه ۳	۰/۰/۳۹۰	۰/۰/۱۱۱
۴ نمونه ۴	۰/۰/۴۹۶	۰/۰/۱۲۴
۵ نمونه ۵	۰/۰/۴۹۶	۰/۰/۱۲۴
۶ نمونه ۶	۰/۰/۱۸۷	۰/۰/۰۷۰
۷ نمونه ۷	۰/۰/۵۱۰	۰/۰/۱۱۳
۸ نمونه ۸	۰/۰/۴۵۸	۰/۰/۱۰۲
۹ نمونه ۹	۰/۰/۱۴۴	۰/۰/۰۵۴
۱۰ نمونه ۱۰	۰/۰/۱۴۴	۰/۰/۰۵۲
۱۱ نمونه ۱۱	۰/۰/۱۴۴	۰/۰/۰۵۲
۱۲ نمونه ۱۲	۰/۰/۱۸۱	۰/۰/۰۶۸
۱۳ نمونه ۱۳	۰/۰/۱۴۴	۰/۰/۰۶۲
۱۴ نمونه ۱۴	۰/۰/۰۸۴	۰/۰/۰۴۲
۱۵ نمونه ۱۵	۰/۰/۰۵۲	۰/۰/۰۳۰
۱۶ نمونه ۱۶	۰/۰/۲۲۲	۰/۰/۰۶۳
۱۷ نمونه ۱۷	۰/۰/۲۸۳	۰/۰/۰۸۱
۱۸ نمونه ۱۸	۰/۰/۲۸۳	۰/۰/۰۸۱
۱۹ نمونه ۱۹	۰/۰/۴۵۴	۰/۰/۰۵۵
۲۰ نمونه ۲۰	۰/۰/۴۰	۰/۰/۰۵۰
۲۱ نمونه ۲۱	۰/۰/۱۹۳	۰/۰/۰۷۲

جدول ۵. ضریب نزدیکی

رتبه بندی	ضریب نزدیکی	نتیجه
اول	۰/۸۷۸۸	روابط اجتماعی
دوم	۰/۴۳۴۲	حمایت اجتماعی
سوم	۰/۴۰۷۱	انسجام اجتماعی
چهارم	۰/۳۷۴۰	اعتماد اجتماعی
پنجم	۰/۱۹۶۷	هنجارهای اجتماعی

با توجه به نتایج روش تاپسیس مشخص شد روابط اجتماعی با ضریب $0/8788$ مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال است. شکل ۲ نتایج این گزینه‌ها را در قالب نمودار راداری نشان می‌دهد.



شکل ۲. رتبه‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال

بحث و نتیجه

هدف از انجام دادن پژوهش حاضر شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال بود. نتایج نشان داد پنج مؤلفه روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی، انجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی‌شده سرمایه اجتماعی بین بازیکنان تیم ملی هندبال است. همچنین ۳۲ کد اولیه، ۴ کد ثانویه، و ۵ مقوله اصلی استخراج شد.

روابط اجتماعی شامل روابط صمیمی بین هم‌تیمی‌ها، روابط مبتنی بر صداقت در تیم، روابط صمیمی با مربیان، روابط صمیمی با مدیران تیم، و روابط صمیمی با هواداران و تماشاچیان است. نقش روابط اجتماعی در بهبود سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های مختلف تبیین شده است. تیپ^۱ و همکارانش (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط و میزان تأثیر مهارت‌های ارتباطی بر سرمایه

1. Tip

اجتماعی در سازمان‌های ورزشی پرداختند و دریافتند که مهارت‌های ارتباطی توان پیش‌بینی سرمایه اجتماعی را دارد. در پژوهش مشابهی، یوسف‌زاده و کیاکجوری (۱۳۹۴) دریافتند که بین مهارت‌های ارتباطی مدیران با سرمایه اجتماعی سازمان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. وانگ^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) نیز اعلام کردند روابط در تیم‌های کاری به بهبود سرمایه اجتماعی در افراد منجر می‌شود. دارسی و همکارانش (۲۰۱۴) دریافتند ارتباطات درون‌سازمانی برای بهبود سرمایه اجتماعی اهمیت بسیار دارد. بنابراین، نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های تیپ و همکارانش (۱۳۹۵)، یوسف‌زاده و کیاکجوری (۱۳۹۴)، وانگ و همکارانش (۲۰۱۸)، و دارسی و همکارانش (۲۰۱۴) همخوان و هم‌سوست. همان‌گونه که آمد، روابط اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بازیکنان هندبال است. از این رو، توصیه می‌شود مربیان سعی کنند از سبک‌های رهبری منعطف‌تر در مربیگری خود استفاده کنند تا روابط صمیمی‌تری بین آن‌ها و ورزشکاران ایجاد شود. همچنین، مربیان می‌توانند در ساعات خارج از فعالیت‌های ورزشی نیز روابط صمیمی با بازیکنان داشته باشند.

از متغیرهای دیگر سرمایه اجتماعی بازیکنان هندبال حمایت اجتماعی است؛ شامل حمایت عاطفی از سوی مربی، حمایت عاطفی از سوی هم‌تیمی‌ها، حمایت عاطفی از سوی دوستان، حمایت عاطفی از سوی خانواده، حمایت مالی از سوی مسئولان تیم، و حمایت مالی از سوی خانواده. سعیدی و عاشوری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در کارکنان پرداختند و دریافتند که این ارتباط معنادار نیست. شاید به دلیل تفاوت در جامعه آماری و نوع ابزار مورد استفاده این اختلاف در نتایج مشاهده می‌شود. اکبری و همکارانش (۱۳۹۶) اعلام کردند ارتباط مثبت و معناداری بین سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی درک‌شده در زنان وجود دارد. همچنین وثوقی و همکارانش (۱۳۹۲) در پژوهش خود دریافتند که حمایت اجتماعی بر سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت و معنادار می‌گذارد. دای^۲ و همکارانش (۲۰۱۵) نیز اعلام کردند سرمایه اجتماعی با حمایت مالی در ارتباط است. بنابراین نتایج این بخش از

1. Wang

2. Dai

پژوهش با نتایج پژوهش‌های سعیدی و عاشوری (۱۳۹۵)، اکبری و همکارانش (۱۳۹۶)، وثوقی و همکارانش (۱۳۹۲)، و دای و همکارانش (۲۰۱۵) همخوان و هم‌سوست. از این‌رو، به مدیران تیم‌های ورزشی و به‌خصوص تیم‌های هندبال توصیه می‌شود با وضع حمایت‌های اجتماعی (مالی و عاطفی) سعی کنند سرمایه اجتماعی بازیکنان را بهبود بخشند؛ حمایت‌هایی مانند به‌کارگیری مشاوران روان‌شناسی در کنار تیم، جوایز تشویقی در صورت عملکرد مطلوب، ملاقات مداوم با رؤسای فدراسیون، و اعلام آمادگی رؤسا برای رفع موانع پیش روی بازیکنان و همه عوامل درگیر. انسجام اجتماعی از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بازیکنان هندبال بود. داشتن اهداف مشترک با هم‌تیمی‌ها، خود را جزئی از تیم دانستن، مهم بودن مشکلات هم‌تیمی‌ها، مهم بودن مشکلات تیم، سعی در رفع مشکلات تیم، و حس هم‌خانواده بودن با هم‌تیمی‌ها از مفاهیم مربوط به انسجام اجتماعی است. عمومی و ساعی (۱۳۹۲) در پژوهش خود نشان دادند که سرمایه اجتماعی با انسجام اجتماعی در ارتباط است. کاراسکو^۱ و بیلال (۲۰۱۶) اعلام کردند سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی از مفاهیم نزدیک به هم‌اند؛ اما، با یک‌دیگر تفاوت‌هایی نیز دارند. صابری و همکارانش (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش انسجام گروهی در سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: بازیکنان حرفه‌ای فوتبال استان فارس)»، دریافتند بین سرمایه اجتماعی و انسجام گروهی و ابعاد آن رابطه معناداری وجود دارد و انسجام گروهی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای سرمایه اجتماعی است. بنابراین، به مدیران تیم‌های ورزشی (تیم هندبال) توصیه می‌شود اهداف تیم را شفاف کنند، به بازیکنان حس مهم بودن القا کنند، و مربیان به صورت مداوم با بازیکنان در خصوص اهمیت همکاری تیمی برای پیشبرد اهداف فردی و تیمی صحبت کنند.

از دیگر مؤلفه‌های شناسایی شده در این پژوهش اعتماد اجتماعی است. اعتماد به هم‌تیمی‌ها، ایجاد محیط قابل اعتماد بین هم‌تیمی‌ها، روابط مبتنی بر اعتماد بین کل کادر تیم، اعتماد بازیکنان به مربیان، و اعتماد بازیکنان به مسئولان تیم (سرپرستان) از مفاهیم این بعد (اعتماد اجتماعی) سرمایه اجتماعی بازیکنان است. سبحانی و هاشمی (۱۳۹۶) اعلام کردند میانگین اعتماد اجتماعی افراد شرکت‌کننده در ورزش همگانی بیشتر از سایر افراد و این تفاوت از نظر آماری معنادار است.

توکلی و همکارانش (۱۳۹۵) دریافتند اعتماد رکن اصلی سرمایه اجتماعی است. بنابراین، اهمیت اعتماد اجتماعی به منزله یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی کاملاً مشخص است. نتایج پژوهش در این قسمت با نتایج پژوهش‌های سبحانی و هاشمی (۱۳۹۶) و توکلی و همکارانش (۱۳۹۵) همخوان و هم‌سوست. از این رو به مدیران تیم‌های ورزشی و مربیان توصیه می‌شود حس اعتماد را در تیم بین بازیکنان افزایش دهند و از کارهایی که اعتماد آن‌ها را سلب می‌کند دوری کنند.

سرانجام، آخرین نتیجه‌ای که مشاهده شد هنجارهای اجتماعی بود. هنجارهای تیم شامل مشورت با مربیان، رفتار مناسب در تیم، هماهنگی با مربیان و سرپرستان برای فعالیت (در زمان اردو)، پوشش مناسب و هنجارهای مربوط به جامعه شامل رفتارهای مناسب با هواداران، رفتارهای مناسب با تماشاچیان، رفتارهای متناسب با شئون اسلامی، رفتارهای مناسب در جامعه مطابق با عرف، و پرهیز از هنجارشکنی است. عباس‌زاده و همکارانش (۱۳۹۱) اعلام کردند بین سرمایه اجتماعی و هنجارهای اجتماعی (آنومی اجتماعی) ارتباط معناداری وجود دارد. بنابراین، نتایج پژوهش در این بخش با نتایج پژوهش عباس‌زاده و همکارانش (۱۳۹۱) همخوان و هم‌سوست. از این رو، به مربیان تیم‌های ورزشی توصیه می‌شود با ارائه اطلاعات لازم به بازیکنان آن‌ها را توجیه کنند که رعایت هنجارهای اجتماعی حاکم بر تیم و جامعه ضروری است و در صورت مشاهده ناهنجاری از سوی بازیکنان به آن‌ها تذکر داده شود.

همان‌طور که آمد تیم ملی هندبال در چند سال اخیر نتایج ضعیفی داشته است. با توجه به استعدادهای فردی و امکانات بالقوه‌ای که وجود دارد تیم ملی هندبال باید وضعیت و جایگاه بهتری داشته باشد. به نظر می‌رسد عوامل زیادی دست در دست هم داده‌اند که این توان بالقوه به فعلیت نرسد و مانع قرارگیری تیم ملی در جایگاهی شود که استحقاق آن را دارد. این عوامل در نگاه اول شامل سهم کم رسانه‌ای، استقبال کم مردم، تعویض مکرر رئیس فدراسیون، تغییرات مکرر در کادر فنی، مشکلات اقتصادی، مشارکت کم، امکانات کم، و ده‌ها عامل زیربنایی دیگر است که همه این عوامل ریشه‌ای مشترک دارند و آن وضعیت نامناسب سرمایه اجتماعی در ورزش هندبال است. مثلاً هندبال نتوانسته مثل فوتبال و والیبال اقبال و محبوبیت عمومی کسب کند که متعاقب آن انگیزه برای سرمایه‌گذاری، چه بخش خصوصی چه بخش دولتی، زیاد شود و

مشکلات اقتصادی رفع شود. نیز سهم کم رسانه‌ای هندبال نتیجه مستقیم محبوبیت و سرمایه اجتماعی نامناسب هندبال است. اگر بخواهیم همه مشکلات را ریشه‌یابی کنیم، سرمایه اجتماعی، چه مستقیم چه غیرمستقیم و در قالب مهیا کردن زمینه رفع مشکل، تأثیرگذار است. پس، این تحقیق با شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی راه را باز کرده که با تقویت این مؤلفه‌ها سرمایه اجتماعی در تیم ملی هندبال بهبود پیدا کند و به واسطه بهبود سرمایه اجتماعی بسیاری از مشکلات ریشه‌کن شود و زمینه برای رفع دیگر مشکلات و ضعف‌ها تا حدود زیادی فراهم آید.

نتایج آزمون تاپسیس نشان داد، به لحاظ اولویت و اهمیت، روابط اجتماعی با اختلاف بالایی مهم‌تر از دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است و همچنین حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی به ترتیب با اختلاف کم نسبت به هم در رده‌های بعدی اهمیت قرار دارند و در نهایت هنجارهای اجتماعی بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اولویت آخر را دارد. پس اگر مدیر در نظر داشته باشد که سرمایه اجتماعی را در هندبال توسعه دهد، ابتدا باید به دنبال برقراری رابطه صمیمی متقابل بین ارکان تیم باشد؛ بدین صورت که بازیکنان، مربیان، مدیران، و هواداران روابط صمیمی و مبتنی بر صداقت در تیم داشته باشند و این مهم می‌تواند از طریق استفاده از سبک‌های رهبری منعطف، ایجاد روابط خارج از ساعات ورزشی، بها دادن به کار تیمی برای ارتباط بیشتر افراد با هم، تجلیل و تمجید از تماشاگران و هواداران در جایگاه بزرگ‌ترین سرمایه، استفاده از مدیریت مشارکتی به منظور نزدیک شدن مدیران به دیگر ارکان، و غیره به دست آید. پس از روابط اجتماعی مشاهده شد که حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی به ترتیب با اختلاف کم در رده‌های بعدی اولویت قرار می‌گیرند که باید تلاش شود این مؤلفه‌ها بر اساس توضیحاتی که آمد تقویت شوند. در آخر هم هنجارهای اجتماعی کمترین اهمیت را دارد. البته باید گفت این اولویت‌بندی بدین منظور انجام شده که مدیر گاهی به لحاظ زمان، هزینه، انرژی، و ... ناچار است بر اساس اولویت و اهمیت متغیرها برای بهبود شرایط اقدام کند؛ وگرنه هر پنج مؤلفه شناسایی شده جهت دستیابی به سرمایه اجتماعی مؤثر اهمیت فوق‌العاده دارند و برای داشتن سرمایه اجتماعی که بتواند مفید و مؤثر واقع شود احتیاج است به همه متغیرها اهمیت داده شود. به صورت کلی، برای افزایش کیفیت زندگی و شادمانی مردم، سرمایه‌گذاری در سرمایه

اجتماعی بسیار ارزشمندتر از سرمایه‌گذاری اقتصادی است (Gainey 2011: 120). این موضوع در مورد ورزشکاران نیز صدق می‌کند. بدون سرمایه اجتماعی هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد. بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها، و جوامع انسانی بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند. اما هیچ مجموعه انسانی بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمند انجام دهد. تیم ملی هندبال نیز از این قائده مستثنا نیست و تقویت سرمایه اجتماعی به منزله زیربنایی برای بروز حداکثری دیگر سرمایه‌ها (سرمایه انسانی، اقتصادی، فکری، و غیره) باید مد نظر قرار گیرد. کلام آخر اینکه شناسایی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بازیکنان تیم‌های ورزشی و تلاش جهت تقویت این مؤلفه‌ها می‌تواند بر کسب نتایج بهتر اثر مثبت بگذارد که لزوم انجام دادن پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. امید است مدیران تیم‌های ورزشی از نتایج این پژوهش جهت بهبود عملکرد تیم‌های خود استفاده کنند. همچنین گفتنی است در مراحل تکمیل پژوهش موجود محدودیت‌هایی وجود داشت که بزرگ‌ترین آن‌ها پیدا کردن بازیکنان و مربیانی بود که به بحث سرمایه اجتماعی مسلط باشند و تلاش شد تا آنجا که امکان دارد از کسانی برای مصاحبه استفاده شود که تحصیلات و سواد مناسب و مرتبط با موضوع داشته باشند. همچنین در زمینه توزیع و پر کردن پرسشنامه‌ها زمان و انرژی و هزینه بسیار صرف شد که خروجی تحقیق از اعتبار بیشتری برخوردار باشد.

منابع

1. Abbaszadeh, M., Alizadehaghdam, M., & Eslamibanab, R. (2012). "A Studying the Relations Between Social Capital and Social Anomy", *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 1(1), pp. 145-172. (in Persian)
2. Adams, A. (2014). "Social capital, network governance and the strategic delivery of grassroots sport in England", *International Review for the Sociology of Sport*, 4(49), pp. 550-574.
3. Akbari, M., Najafi, S., & Nadrian, H. (2017). "The Relationship between Social Capital Perceived Social Support and The Women's Mental Health in Sanandaj: a Community-Based Study", *Iran J Health Educ Health Promot*, 5 (3), pp. 155-163. (In Persian)
4. Amooei, H. & saei, A. (2012). "The effect of social capital development on promoting social and national cohesion", *Political science*, 9(24), pp. 7-38. (In Persian)
5. Bozionelos, N. (2015). "Social capital and careers: Indisputable evidence and note for caution", In A. De Vos & B. I. J. M. Van der Heijden (Eds.), *Handbook of research on sustainable careers*, Cheltenham, UK: Edward Elgar, 2(6), pp. 67-82.
6. Carrasco, M. A. & Bilal, U. (2016). "A sign of the times: To have or to be? Social capital or social cohesion. *Social Science & Medicine*, 8(159), pp. 127-131.
7. Clopton, W. (2011). "Social capital and team Performance", *Team Performance management*, 17(7), pp. 369-381.
8. Dai, W. David, Mao, Z. Eddie, Zhao, X. Roy, & Mattila, A. S. (2015). "How does social capital influence the hospitality firm's financial performance? The moderating role of entrepreneurial activities", *International Journal of Hospitality Management*, 9(51), pp. 42-55.
9. Dayani, M. M., Pariookh, M., & Mahmoudi, H. (2012). "Investigating the relationship between social capital and the implementation of knowledge management in the libraries of Ferdowsi University and Mashhad University of Medical Sciences", *Journal of Library and Information Sciences*, 16(2), pp. 91-117. (in Persian)
10. Deyhimpour, M. & Miandari, K. (2017). "Investigating the Role of Organizational Transparency in the Development of Social Capital (Case: Mazandaran West Municipalities)", *Social capital management*, 4(2), pp. 283-307. (In Persian)
11. Elfenbein, D. W. & Zenger, T. R. (2014). "What is a relationship worth? Repeated exchange and the development and deployment of relational capital", *Organization Science*, 25(4), pp. 222-244.
12. Fathi, S. (2009). Sociological explanation of student sports participation. *Social Science Research Journal*, 3(2), 145-173. (In Persian)
13. Forsdike, K., Marjoribanks, T., & Sawyer, A.-M. (2019). "Hockey becomes like a family in itself, Re-examining social capital through women's experiences of a sport club undergoing quasi-professionalisation", *International Review for the Sociology of Sport*, 54(4), pp. 479-494.
14. Gainey, R., Alper, M., & Chappell, A. T. (2011). "Fear of crime revisited: Examining the direct and indirect effects of disorder, risk perception, and social capital", *American Journal of Criminal Justice*, 36(2), pp. 120-137.

15. Ganji, M. & Zare, F. (2015). "The relationship between the use of mass media and the amount of social capital in Kashan", *Journal of Applied Sociology*. 26(4), pp. 109-128. (In Persian)
16. Grodecki, M. (2017). "Building social capital: Polish football supporters through the lens of James Coleman's conception", *International Review for the Sociology of Sport*, 54(4), pp. 479-458.
17. Gupta, A., Raman, K., & Shang, C. (2018). "Social capital and the cost of equity", *Journal of Banking & Finance*, 87(3), pp. 102-117.
18. Hasan, Iftekhar, Chun Keung Hoi, Qiang Wu, & Hao Zhang (2017). "Social capital and debt contracting: Evidence from bank loans and public bonds", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52, pp. 1017-1047.
19. Helliwell, A. (2007). "The Economy and Well-Being", In *the Review of Economic Performance and Social Progress*. <http://www.csls.ca/rep/v03-helliwell.pdf>, accessed date: 8-12.
20. Hennekam, S., McKenna, S., Richardson, J., & Ananthram, S. (2019). "Perceptions of demotion decisions: A social capital perspective", *European Management Journal*, 22(4), pp. 449-456.
21. Jha, A. & James Cox (2015). "Corporate social responsibility and social capital", *Journal of Banking & Finance*, 60(4), pp. 252-270.
22. Jha, A. & Yu Chen (2015). "Audit fees and social capital", *Accounting Review*, 90(3), pp. 611-639.
23. Kumar, H., Manoli, A. E., Hodgkinson, I. R., & Downward, P. (2018). "Sport participation: From policy, through facilities, to users' health, well-being, and social capital", *Sport Management Review*, 21(5), pp. 549-562.
24. Kwon, S. W. & Adler, P. S. (2014). "Social capital: Maturation of a field of research", *Academy of Management Review*, 39(3), pp. 412-422.
25. Mohamadi Torkamani, E., Ghorbani, M. H., Bagheri, GH. & Soroush, S. (2016). "Designing the Model of Bridging Social Capital Promotion for Football Fans", *Social capital management*, 3(1), pp. 89-111. (in Persian)
26. Moradi, S. & Mostafaei, F. (2014). "Role of Sport in Developing Social and Cross-cultural Communication", *Communication management in sport media*, 1(4), pp. 55-60. (in Persian)
27. Okayasu, I., Kawahara, Y., & Nogawa, H. (2015). "The role of social capital in community sport settings in Japan", *Asia Pacific Journal of Sport & Social Science*, 4(2), pp. 112-119.
28. Parsamehr, M., Niknejad, M.R., & Rasoulinejad, S.P. (2017). "Explanation the Role of Social Capital in the Development of Youth Sports Participation (Case Study: Yazd)", *Sport Management Studies*, 9(42), pp. 17-38. (in Persian)
29. Posner, D. & Boix, C. (2016). "Social Capital: Its origins and effects on governmental performance", *British Journal of Political Science*, 28(4), pp. 686-693.
30. Richardson, J. & Kelliher, C. (2015). "Managing visibility for career sustainability: A study of remote workers", In A. De Vos, & B. Van der Heijden (Eds.), *Handbook of research on sustainable careers*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 4(15), pp. 116-130.

31. Sabatino, M. (2019). "Economic resilience and social capital of the Italian regions", *International Review of Economics & Finance*, 61(2), pp. 355-367.
32. Saberi, A., Bagheri, GH., & Bigharaz, M. (2015). "Analysis of role of team cohesion in social capital (Professional Soccer Players in Fars Province)", *Social capital management*, 2(1), pp. 75-94. (in Persian)
33. Saeedi, H. & Ashoor, J. (2012). "The Relationship between Social Capital, Perceived Social Support and Organizational Citizenship Behavior, and Mental Health; Case Study of Police Force Employees in South Eastern Tehran", *Military Caring Sciences*, 3(2), pp. 90-99. (in Persian)
34. Shafia, M. & Shafia, S. (2012) "A Study of the Relationship between Sustainable Social Development and Social Capital (Case Study: Residents of Shemiran nou)", *Journal of Applied Sociology*, 46(2), pp. 139-164. (in Persian)
35. Sobhani, B. & Hashemi, S.Z. (2017). "Social Functions of Sport for All with an Emphasis on Social Trust", *Sport Management Studies*, 9(42), pp. 185-202. (In Persian)
36. Soulard, J., Knollenberg, W., Boley, B. B., Perdue, R. R., & McGehee, N. G. (2018). "Social capital and destination strategic planning", *Tourism Management*, 60(9), pp. 189-200.
37. Spaaij, R. (2009). "The glue that holds the community together? Sport and sustainability in rural Australia", *sport in society*, 18(9), pp. 24-38.
38. Stevenson, N. (2016). "Local festivals, social capital and sustainable destination development: Experiences in east London", *Journal of Sustainable Tourism*, 24(7), pp. 990-1006.
39. Tavakoli, A., Poorbehroozan A., & Mohammadyani, D. (2015). "Trust as building block of social capital: Presentation a pattern based on Islamic teachings (case study: the Mizan Al-Hekmah)", *Social capital management*, 3(4), pp. 501-519. (In Persian)
40. Tip, H., Rezaei Hamid, F., & Nazari, R. (2016). "Effective Communication Skills & Citizenship Behavior and Social Capital in Sports Organizations", *Sport Management Studies*, 8(36), pp. 167-88. (in Persian)
41. Vosoghi, M., Sadegh Mahdavi, M., & Rahmani khalili, E. (2013). "A Study on the Effect of Social Capital on Social Health considering Social Happiness and Social Support", *Journal of Social Problems*, 4(2), pp. 235-263. (in Persian)
42. Wang, L., Huang, M., & Liu, M. (2018). "How founders' social capital affects the success of open-source projects: A resource-based view of project teams", *Electronic Commerce Research and Applications*, 30(5), pp. 51-61.
43. Yang, S.-C. & Farn, C.-K. (2009). "Social capital, behavioural control and tacit knowledge sharing- Amulti-informant design", *International Journal of Information Management*, 29(3), pp. 210-218.
44. Yousefzadeh, S. & Kia Kojoori, D. (2015). "Survey the relationship between communicational skill of managers and social capital of organization", *Social capita management*, 2(1), pp. 95-116. (in Persian)
45. Zhou, R. & Kaplanidou, K. (2018). "Building social capital from sport event participation: An exploration of the social impacts of participatory sport events on the community", *Sport Management Review*, 21(5), pp. 491-503.